

چکیده‌ی یافته‌های یک پژوهش



تصویرسازی کتاب‌های آموزشی دبستانی

فاطمه حدادی

اشاره

«بررسی تصویرسازی کتاب‌های آموزشی دوره‌ی ابتدایی» عنوان رساله‌ای است که شیرین شیخی، با راهنمایی دکتر سید محمد فدوی، در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ در دانشکده‌ی هنرهای زیبادانشگاه تهران به انجام رسانده است. در این رساله آمده است: «کودک، مخاطب اصلی کتاب‌های آموزشی در دوره‌ی ابتدایی است. در فضای کشور ما، کودک باید مورد عنایت بیشتری قرار گیرد. نیازها و مهارت‌های او و آماده‌سازی‌اش بر ای زندگی آینده، موضوع‌هایی هستند که باید مورد توجه جدی قرار گیرند. اگر ۱۵ هزار سال پیش مهم‌ترین رسانه‌ی بشر برای پیام دادن به دیگری، تصویرسازی بود، امروز می‌بینیم که بعد از آغاز دوره‌ی خط و زبان، بشر نیازمند تماس با دیگران از طریق تصویر است. گویا رجوعی به دوره‌ی آغاز یادگیری بشر داریم.

به این سبب تصویر، جلوه یا ابزاری برای یادگیری و سرشار کردن ذهن و روان کودک است. تصویر آموزشی یک وجه تخصصی هم دارد: ما با تصویر آموزشی، مخاطب را به آموزش دعوت می‌کنیم یا می‌خواهیم احساسات، ذهن و منطق او را با سؤال مواجه سازیم، پس در این جا تصویر درست مثل یک امر مکتوب برای آموزش عمل می‌کند. در کتاب‌های گروه سنی بالا، تصویر، نمک مطلب است، اما در گروه سنی کودک و نوجوان، لازمه‌ی مطلب تصویر است و باید مطلب را با تصویر به آن‌ها آموزش داد. در کلاس اول، تصویر عین متن است، چون در آغاز می‌خواهیم از تصویر بهره‌برداری آموزشی کنیم و معلم کار را با آن آغاز می‌کند.»

در ادامه‌ی این خلاصه از پایان‌نامه، ضمن تبیین تفاوت کتاب‌های آموزشی با غیر آموزشی، به تأثیر تصویرسازی در پرورش تخیل و یادگیری متون آموزشی پرداخته شده است.

۱۶/۱۷ ۹۹۱۹

پاییز و زمستان ۱۳۸۵



تفاوت تصویرگری کتاب‌های آموزشی با غیرآموزشی (داستانی)

تصویرگری کتاب‌های آموزشی و غیرآموزشی هر دو زیرشاخه‌ی گرافیک قرار دارند. گرافیک هنری است در خدمت جامعه که جنبه‌ی کاربردی دارد. وجه مشخصه‌ی گرافیک از نقاشی، تفاوت بین مخاطبان آن هاست. در تصویرسازی، پایه و اساس کار «موضوع» است و بیان موضوع نقش عمده‌ای را بازی می‌کند. همه‌ی امکانات و ویژگی‌های لازم برای ایجاد یک اثر تصویرگرانه در خدمت موضوع قرار می‌گیرند. از مجموعه آثار تصویری در طول تاریخ، اثر تصویرگرانه‌ای نمی‌توان یافت که فاقد موضوع مشخص باشد. این در حالی است که هدف نهایی در نقاشی، زیبایی و بیان حالات درونی و پنهان جان آدمی است. تغییر و تحولی که در فرم و رنگ توسط نقاش ایجاد می‌شود، نتیجه‌ی دریافت‌های شهودی او از عالم مثال و کشف و شهود او از تصویر مثالی اشیاست که در قالب محسوسی ارائه می‌گردد. در نتیجه، هر چه سیر و سلوک و تعالی هنرمند در مرتبه‌ی بالاتری باشد و از شناخت بیش تری برخوردار باشد، آثار او بی‌شائبه‌تر خواهند بود.

تصویرگری کتاب براساس نیاز مخاطب و هدف که متن کتاب است، تولید می‌شود. از آن‌جا که هدف کتاب‌های درسی و غیردرسی متفاوت است، کارکرد متفاوتی هم دارند. نوع تصویرگری هر موضوع هم می‌تواند متفاوت و خاص باشد. پس تفاوت اصلی و عمده می‌تواند، موضوع متن و مخاطب متن باشد. یعنی تصویرگر کتاب‌های آموزشی بر تفهیم هدف آموزشی متن تأکید دارد. اما تصویرگر کتاب‌های غیرآموزشی با تصویر، تخیل متن داستان را گسترده‌تر می‌کند و احیاناً نکات مبهم داستان را روشن‌تر و به‌طور کلی متن را توسط تصویر جذاب‌تر و گیراتر می‌سازد. همان‌طور که کودک در روز به سه وعده غذای کامل برای رشد نیاز دارد، اما در عین حال به شکلات، بستنی و تنقلات هم نیازمند است، اگر کتاب‌های آموزشی را در زمره‌ی غذای روح کودک به حساب آوریم، کتاب‌های غیرآموزشی را باید جزو تنقلات و خوراکی‌های غیر غذایی کودک بگنجانیم. طبیعتاً کودک همیشه به تنقلات و خوراکی بیش‌تر رغبت نشان می‌دهد و همین ضرورت ایجاد می‌کند که ما کتاب‌های آموزشی را هرچه زیباتر و جذاب‌تر به کودک ارائه دهیم تا به استفاده از آن‌ها تشویق شود.

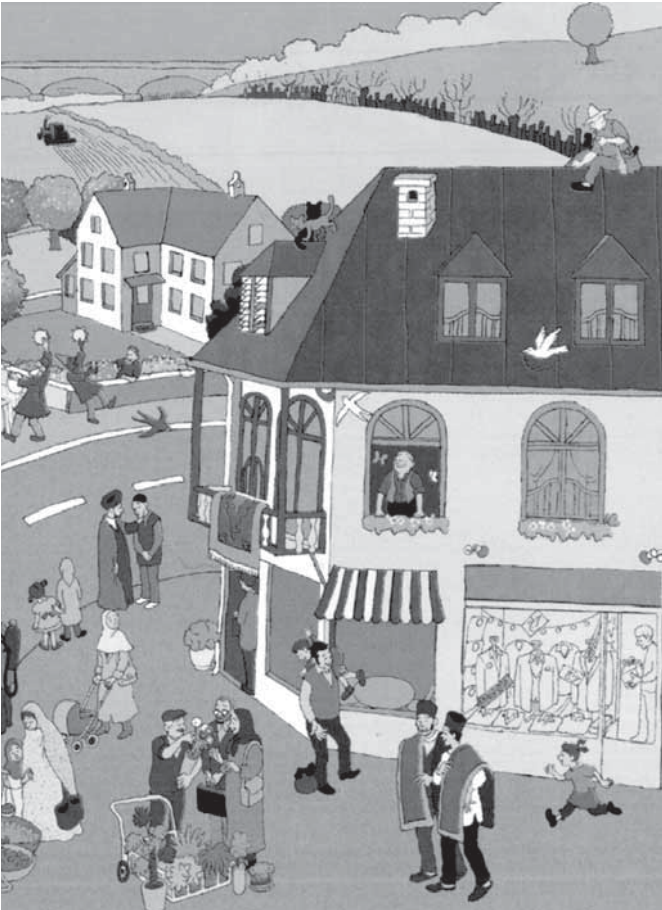
با کمی دقت به موضوعات متنوع تصویرگری که شاید شامل ده‌ها رشته و مطلب جداگانه باشد، می‌توان تا حدودی به اهمیت و لزوم تنوع شیوه‌ی بیان آن‌ها پی برد. بی‌شک تصویرسازی برای متن کتاب پزشکی، با تصویرهای فنی کتاب مکانیک و تصویرهای کتاب تاریخ، کتاب جغرافیا، سیاحت‌نامه، یک اثر ادبی، کتاب آموزشی دوران تعلیمات مدرسه‌ای، جزوه‌ی ورزشی، عکاسی یا مد و لباس، یک قصه‌ی زیبا و لطیف کودکانه، مجموعه‌ی اشعار و... بسیار متفاوت است. تخیل عنصر اصلی تصویرگری متن‌های داستانی و شعر است و ارائه‌ی اطلاعات، عنصر اصلی تصویرگری در متن‌های علمی. ما در نگارش و تصویرگری تخیلی از پیشینه‌ای دراز برخورداریم و در نگارش و تصویرگری غیرتخیلی، تقریباً همیشه از منابع ترجمه استفاده کرده‌ایم. تصویری که برای کتاب‌های آموزشی کشیده می‌شود، جنبه‌ی آموزشی قوی‌تری دارد. یعنی تصویرگر باید توجه داشته باشد که نویسنده‌ی متن چه هدفی را دنبال می‌کند و می‌خواهد چه چیزی را به مخاطب یاد بدهد. بنابراین، در تصویرگری کتاب‌های آموزشی باید از حواشی پرهیز کرد. در کتاب‌های آموزشی، معمولاً تصویر باید به موضوع کتاب مربوط باشد. در این‌جا دیگر

تصویرگری
کتاب
براساس
نیاز مخاطب
و هدف
که متن کتاب است
تولید می‌شود

۱۹۰۱۷

پاییز و زمستان ۱۳۸۵





حرف از انتظار کشیدن، به تخیل میدان دادن و تطبیق یا عدم تطبیق تخیلات کودک با تصویر مطرح نیست؛ مگر آن که به یک مقوله‌ی علمی از زاویه‌ای عاطفی و احساسی با ابعاد داستانی نگریسته شده باشد. دست تصویرگر در قسمت‌هایی همانند شعر یا داستان، با توجه به تخیل آمیز بودن آن‌ها، بسیار باز است. ولی برای مثال، در کتاب‌های ریاضی و علوم نمی‌شود از عناصر گوناگون به فراوانی استفاده کرد. البته در مورد آن‌ها نیز می‌توان به نوعی فانتزی متوسل شد تا

مطلب بیش‌تر در ذهن بماند. نکته‌ی اساسی این است که در تصویرگری این‌گونه متن‌ها باید از اضافه‌گویی پرهیز کرد، زیرا باعث فراموشی مطلب اصلی می‌شود.

بنابراین در متون آموزشی باید بیش‌تر به جنبه‌های یاددهی - یادگیری توجه کرد. جنبه‌ی سرگرمی و تزیینی بودن کتاب‌های آموزشی برای هر مخاطب، کم‌تر از دیگر کتاب‌هاست، اما برای بعضی از مخاطبان مانند دانش‌آموزان اول ابتدایی، به منظور رفع خستگی و تقویت قوه‌ی تخیل، می‌توان از ریزنقش‌های فراوانی از حیوانات مورد علاقه‌ی آن‌ها یا تصویرهایی از طبیعت، مانند گل استفاده کرد.

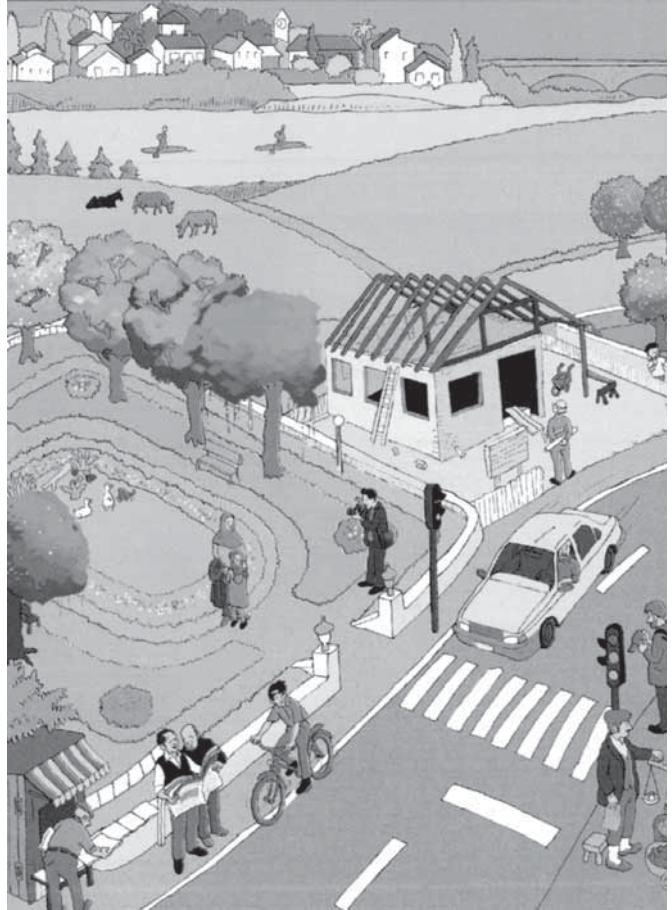
تصویرگری کتاب آموزشی یک حوزه‌ی کاملاً تخصصی است و هر تصویرگر موفق نمی‌تواند تصویرگر کتاب آموزشی باشد؛ حتی اگر جوایز گوناگون بین‌المللی را گرفته باشد. نوع نگاه آموزشی در کتاب، فراگیر بودن مخاطب و اصل ایجاز در تصویر، از مشخصات انحصاری تصویرگری کتاب آموزشی است. این بدان معناست که تصویرگران برای ورود به این حوزه باید دوره‌های دشواری مثل درک اندیشه‌های نویسندگان متن را پشت سر بگذارند. اگر در کتاب داستان تصویرگر مفهوم متن را درک نکند و تنها یک برداشت شخصی ارائه دهد، خطایی رخ نداده است، حال آن‌که در کتاب آموزشی، صحت یک اتفاق علمی خدشه‌دار می‌شود. تصویرگر و نویسنده‌ی کتاب آموزشی باید به‌طور دقیق در کنار هم پیش بروند و این یک واحد اجباری برای کلاس‌های آموزشی تصویرگری کتاب آموزشی به‌شمار می‌رود.

ما در کتاب‌های داستانی اصلی داریم که مربوط به جلوتر حرکت کردن تصویرگر نسبت به متن است. گاهی نیز ممکن است، تصویرگر نگاه روایتی و تخیل‌انگیز خود را به منظور گسترش

**تصویرگر
و نویسنده‌ی
کتاب آموزشی
باید به‌طور دقیق
در کنار هم
پیش بروند
و این
یک واحد اجباری
برای کلاس‌های
آموزشی تصویرگری
کتاب آموزشی
به‌شمار می‌رود**

۱۶/۱۷ ۹۱۹۲
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۸۲



رویداد ادبی، به متن اضافه کند. اما در تصویرگری کتاب آموزشی حرکت تصویرگر و نویسنده کاملاً پایه‌پای یکدیگر صورت می‌گیرد؛ هر چند استثنائاتی به ویژه در متون فارسی می‌تواند وجود داشته باشد. تصویرهای کتاب آموزشی باید به یاری نویسنده بشتابند و تا آن جا که ممکن است، متن را به گونه‌ای دقیق و واقع‌گرایانه نشان دهند. اگر هدف، درک و فهم بیش‌تر کودک از کتاب است، باید ترتیبی اتخاذ کنیم که تصویر و متن از نظر کیفیت در یک سطح باشند. به علاوه، نویسنده و

**تصویرهای
کتاب آموزشی
باید به یاری
نویسنده بشتابند
و تا آن جا که
ممکن است
متن را
به گونه‌ای دقیق و
واقع‌گرایانه
نشان دهند**

تصویرگر باید از کلیشه‌سازی پرهیز کنند. تصویرگری که می‌خواهد درباره‌ی کتاب‌های آموزشی تصویر بکشد، باید اطلاعات علمی خود را تکمیل کند. تصویرگری برای کتاب آموزشی و غیرآموزشی متفاوت است و هر یک محدودیت خاص خود را دارد. ممکن است در ادبیات داستانی، میان تصویرگر و نویسنده رابطه‌ای وجود نداشته باشد، ولی در کتاب آموزشی وجود این رابطه ضروری است.

آیا ممکن است در تصویرسازی علمی و آموزشی تخیل هم وجود داشته باشد؟

در تصویرگری علمی عنصر خیال کاملاً حذف نمی‌شود، بلکه خیال بر مبنای داده‌های علمی و مستدل شکل می‌گیرد. برای مثال، به تصویر درآوردن یک ایستگاه فضایی ماورای کره‌ی زمین که هنوز تحقق نیافته، نیازمند تخیل تصویرگر بر مبنای شواهد و مدارک علمی است. می‌دانیم که در تصویرسازی آموزشی نگاه علمی جریان دارد. با این که تخیل تنها عنصر داستان و شعر به شمار می‌رود، اما ممکن است در تصویرسازی علمی آموزشی، تخیل هم وجود داشته باشد؛ البته نه به اندازه‌ی تخیل در داستان و شعر. یعنی در تصویرگری کتاب‌های آموزشی، تخیل تا آن جا می‌تواند راه یابد که واقعیت علمی را تحریف نکند و هیچ یک از نشانه‌های تصویری اثر، برخلاف آن واقعیت نباشد. به عبارت دیگر، با واقعیت اشیا یا پدیده‌ها منطبق باشد.

برای مثال، در یک تصویر علمی از ابر یا آسمان، نمی‌توان آسمانی قهوه‌ای یا زرد کشید، مگر این که لحظه‌ای از غروب یا طلوع باشد که گوشه‌ای از آسمان به دلیل وجود خورشید به زردی مایل شود. وگرنه تصویرگر موظف است، آسمان را آبی تصویر کند. یا در تصویرهای کتاب



«سفر شگفت‌انگیز به درون بدن»
تخیل تا آن‌جا پیش می‌رود که
سفینه‌ای به درون بدن می‌رود و از
طریق خون به همه‌جای بدن سر
می‌زند. تا این‌جا تخیل است، اما
دیگر نمی‌توان جای کبد و قلب را
عوض کرد یا به جریان خون
وظیفه‌ی دیگری محول کرد.
بنابراین، تخیل اگر در این حد معقول
در تصویرسازی آموزشی به کار رود،
قابل قبول است و حتی سبب
یادگیری کودک و لذت او از آموختن
علم خواهد بود. به علاوه باعث
می‌شود، کودک از مطالب آموزشی
گریزان نباشد و کتاب‌های آموزشی را به
اندازه‌ی کتاب‌های داستان و شعر دوست

داشته باشد. متأسفانه در اکثر موارد، اتکالی تصویر به متن‌های آموزشی باعث می‌شود، جنبه‌ی
زیبایی‌شناسی تصویر در درجه‌ی دوم قرار بگیرد؛ برخلاف داستان و شعر که زیبایی در درجه‌ی
اول قرار دارد. چون محتوای آموزشی مهم‌تر از جنبه‌ی زیبایی‌شناسی است. البته به دلیل گوناگونی
موضوعات در کتاب‌های آموزشی، نوع تصویرگری هر کتاب متفاوت می‌شود؛ همان‌طور که نوع
تصویرگری در کتاب فارسی با کتاب‌های علوم، جغرافیا، ریاضی و... فرق دارد. شاید کتاب
فارسی تنها کتابی باشد که به دلیل نزدیکی به ادبیات و شعر، در آن می‌توان از عنصر تخیل به
میزان زیاد استفاده کرد.

تأثیر تصویرسازی در یادگیری متون آموزشی

معمولاً ما بلیبیم که حرف‌ها و پیام‌های یکدیگر را در درجه‌ی اول از طریق چشم دریافت
کنیم. سپس ترجیح می‌دهیم، از طریق گوش (شنیدن) مخاطب قرار بگیریم و در مرحله‌ی سوم،
به خواندن و مطالعه‌ی متن رومی آوریم. این امر قدرت عجیب نقاشی و تمایل انسان به دیدن را
بیان می‌کند. خواندن زبان تصویر، علاوه بر آن که به سواد و مکتب رفتن نیاز ندارد، سریع‌التأثیر
است. اصولاً رسانه‌های دیداری درک و فهم افراد را آسان می‌کنند. تصویرسازی، به حکم یک
رسانه‌ی دیداری، نقش خاصی را ایفا می‌کند، زیرا تصویر خوب، یک رسانه‌ی آموزشی با قدرت
است.

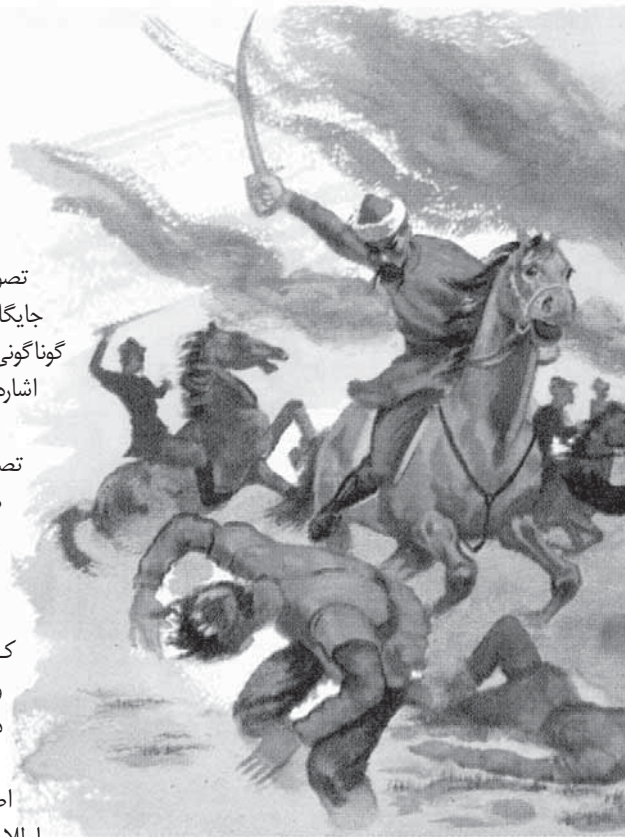
اهمیت تصویر برای بچه‌ها، به مراتب بیش‌تر است، زیرا آنان زودتر از بزرگسالان تحت
تأثیر رنگ‌ها و ترکیبات آن‌ها قرار می‌گیرند. به علاوه، در مقایسه با بزرگسالان حسی‌ترند و از راه
چشم راحت‌تر از مطالعه و درک مطلب، پیام‌پذیری دارند. میل به تصویرخوانی در بچه‌ها، به دلیل
تجربه و توان کمی که در مطالعه دارند، بیش‌تر از میل به مطالعه‌ی متن است. در فناوری آموزشی،

تصویرسازی
به حکم یک
رسانه‌ی دیداری
نقش خاصی را
ایفا می‌کند
زیرا تصویر خوب
یک رسانه‌ی
آموزشی با قدرت
است

۱۶/۱۷ ۹۱۹۲

پاییز و زمستان ۱۳۸۵





تصویرسازی برای انتقال مفاهیم علمی، جایگاه ویژه‌ای دارد. این موضوع دلایل گوناگونی دارد که در این جا به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

■ مهم‌ترین نکته این است که از تصویر برای نمایش یک ارتباط استفاده می‌شود، نه برای تشریح اطلاعات. زیرا تصویر وقتی مؤثر است که در زمینه‌ای معنادار قرار داده شود و دانش‌آموز بتواند با آن ارتباط برقرار کند. به همین سبب، تصویر با ویژگی‌های سنی، روحی و محیطی دانش‌آموز سنخیت کامل دارد.

■ در تصویرسازی، همواره نکات اصلی مورد توجه واقع می‌شوند. زیرا اطلاعات جنبی و اضافی، و تصویرهای

مفصل، مانع دریافت هدف اصلی می‌شوند. به همین سبب، تصویر تا حد امکان باید ساده و بدون پرداختن به جوانب باشد. تصویر به گونه‌ای طراحی می‌شود که هم بر اطلاعات اصلی مورد نظر تأکید داشته باشد و هم اطلاعات بیش‌تری ارائه دهد؛ زیرا اصولاً یادگیری وقتی آسان می‌شود که تصویر، اطلاعاتی بیش‌تر از محتوا ارائه دهد.

■ تصویر دانش‌آموز را در زمینه‌ی تمام تجربه‌هایی که داشته است، به تفکر وامی‌دارد؛ زیرا او برای توجیه و تشریح تصویر، به تجربه‌های قبلی خود رجوع می‌کند.

■ تصویر سبب آشنایی دانش‌آموز با زیبایی‌ها می‌شود و علاقه‌ی او را به زیباشناسی افزایش می‌دهد.

■ تصویر قدرت تخیل دانش‌آموز را پرورش می‌دهد و امکان تصور حضور او را در موقعیت‌های گوناگون و پدیده‌های خاص فراهم می‌آورد. این امر به خصوص در مورد محیط‌هایی که در وضعیت معمولی نمی‌توان آن‌ها را مشاهده کرد و عوامل فضا، زمان یا مکان در دسترس معلم نیستند، مصداق بیش‌تری دارد؛ مانند مشاهدات فضایی، زیردریایی، موجودات بسیار ریز میکروسکوپی و

■ تصویر با پرورش قدرت تخیل، احساس دانش‌آموز را به گونه‌ای برمی‌انگیزد که خود را کاملاً در محیط قرار دهد و هدف‌های تصویر را به خوبی حس کند. تصویر حس کنجکاوی و علاقه‌ی دانش‌آموزان را به موضوعات خاص برمی‌انگیزد و با تنوع‌های ویژه، شور و اشتیاق بیش‌تری به محیط کلاس می‌بخشد و دانش‌آموزان را به مشاهده، مطالعه و تحقیق ترغیب می‌کند.

■ تصویر با یادآوری تجربه‌های گذشته، زمینه‌ی مطالعه‌ی جزئیات موضوع را فراهم می‌آورد و سواد دیداری دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.

تصویر
وقتی مؤثر است
که در زمینه‌ای
معنادار
قرار داده شود
و دانش‌آموز
بتواند با آن
ارتباط برقرار کند

۱۶/۱۷

پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۸۵

■ تصویر با ارائه ایده‌ها و مفاهیمی که درک آن‌ها از طریق ارائه‌ی کتبی یا شفاهی مشکل است، نکات مبهم را روشن می‌کند و سبب می‌شود که به نکات اصلی، به صورت متمرکز پرداخته شود. در نتیجه، به فهم ساده‌تر و دقیق‌تر مفاهیم علمی کمک می‌کند.

■ تصویر امکان مقایسه بین پدیده‌ها و مشاهدات علمی را فراهم می‌آورد و به تشخیص شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها کمک می‌کند.

■ تصویر کنجکاوای کودک را برای درک رابطه‌های میان اجزای تصویر و رابطه‌های میان نوشته و تصویر برمی‌انگیزد.

■ تصویر حس واقع‌بینی و واقع‌گرایی و تمایلات هنری کودک را تقویت می‌کند و نارسایی‌های وصفی و واژگانی نوشته را از بین می‌برد.

■ تصویر کودک را در مسیر شیوه‌های جدید و قابل درک تصویرسازی، گرافیک و نقاشی قرار می‌دهد و او را به نقاشی وامی‌دارد.

مهم‌ترین مسئله و مرحله در تولید تصویر، ارتباط بین نویسنده و مصور است و برقراری تفاهم کامل و هم‌سو بین ایشان. نویسنده و تصویرگر باید یکدیگر را درک کنند، به پیشنهادها و نظرات یکدیگر گوش دهند و در صورت لزوم، از داوری شخص ثالثی که می‌تواند ناشر یا یک متخصص باشد، استفاده کنند. هم‌سلیقگی تصویرگر و نویسنده به مقدار زیادی راه را برای به‌وجود آوردن اثری موفق هموار می‌سازد. زیرا به دلیل همین هماهنگی اولیه، تصویرگر با مقدار زیادی از خواسته‌های نوشته‌نشده‌ی نویسنده آشناست و درک فضا خود به خود از این طریق حاصل می‌شود و به بیننده هم به خوبی انتقال می‌یابد.

نتیجه‌گیری

تصویرسازی ابزار قدرتمندی برای انتقال مفهوم است و انتقال مفاهیم آموزشی، نقش مهمی در پیشرفت دانش بشری دارد. بنابراین، تصویرسازی علمی، سهم قابل ملاحظه‌ای در پیشرفت دانش دارد و خود هم گام با پیشرفت دانش، پیشرفت می‌کند. روش یاددهی در کتاب‌های آموزشی، فراگیر بودن مخاطب و اصل ایجاد در تصویر، از مشخصات انحصاری تصویرگری کتاب آموزشی است. لازم است تصویرگر هدف مفهوم متن را به‌طور کامل در یابد و دارای اطلاعات علمی باشد. رابطه‌ی میان تصویرگر و نویسنده بسیار مهم است و باید به‌طور دقیق در کنار هم پیش بروند. تخیل، گرچه تنها عنصر در تصویرگری کتاب‌های داستان و شعر است، اما در کتاب‌های آموزشی تا آن‌جا می‌تواند راه یابد که واقعیت علمی را تحریف نکند. این خود می‌تواند سبب یادگیری سریع کودک و لذت او از آموختن علمی شود تا از مطالب آموزشی گریزان نباشد و کتاب‌های آموزشی را به اندازه‌ی کتاب‌های داستان و شعر دوست بدارد.

در کشور ما تصویرسازی علمی، هم‌پای تصویرسازی متون داستانی، رشد نکرده است. کافی است سری به دانشگاه‌های هنر بزنیم! آیا تصویرسازی علمی در این مراکز مورد توجه قرار می‌گیرد؟ اگر دانشگاه محلی برای تربیت نیروی متخصص جامعه است، تربیت تصویرگران ادبیات مستند و غیرداستانی، یا به قولی غیرتخیلی، کجا باید انجام شود؟ به نظر می‌رسد، اشکال اصلی در برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای آموزش رشته‌های تصویرسازی و گرافیک است. زیرا در واحدهای درسی این رشته‌ها، تنها تصویرسازی تخیلی و داستانی مدنظر قرار گرفته است، در



حالی که امروزه در بسیاری از کشورهای جهان، تصویرسازی کتاب‌های آموزشی امری کاملاً تخصصی است و در مراکز آموزشی خاص به آموزش رشته‌های هنری بین رشته‌ای می‌پردازند. به همین سبب است که توانسته‌اند، برابر با نیازها و هدف‌های کتاب‌ها، از متخصصان مناسب بهره ببرند.

از سوی دیگر، در ادبیات کودکان و نوجوانان ایران در دوره‌ی جدید، به ادبیات غیرتخیلی و پرداختن به کتاب‌های مفهومی، اطلاعاتی و علمی، توجه کافی نشده است. همان گونه که پرداختن به کتاب‌های علمی در ادبیات کودکان و نوجوانان ایران، از آبخور ترجمه سیراب می‌شود، فراهم‌آوری تصویرهای علمی و غیرتخیلی نیز به همین سرچشمه وابسته شده است. ناشران ایرانی، کم‌تر به فرایند گردآوری اطلاعات علمی یا نگارش کتاب‌هایی از این دسته توجه نشان داده‌اند. روی‌آوری به ادبیات ترجمه‌ای، به دلیل نبودن کپی‌رایت (حق مؤلف)، نیازهای مقطعی آنان را برآورده کرده است و همین رویکرد به ناگزیر متوجه تصویرگری نیز شده است. کم‌تر هنرمند تصویرگری، برای مصورسازی یک کتاب علمی یا اطلاعاتی،

سفارش دریافت کرده است. به سبب حذف این رویکرد، تصویرگران ایرانی نیز از توجه به آن دور شده‌اند، به گونه‌ای که در نخستین رویکردهای جشنواره به ادبیات مفهومی یا غیرتخیلی، آثار فرستاده به دفتر جشنواره، همچنان نگاهی به ادبیات شعری و داستانی دارد و حتی پدیده‌های علمی را نیز با رویکردی آشکار به نگاه شاعرانه یا برداشت‌های حسی و تخیلی دنبال کرده‌اند.

تصویرسازی علمی و آموزشی، کاری تخصصی است. تصویرسازی که مفاهیم کالبدشناسی بدن انسان را به تصویر می‌کشد، نمی‌تواند مفاهیم زیست‌شناسی مولکولی را به همان خوبی طراحی کند. بسیاری از تصویرسازان بزرگ دانشمندانی بودند که به تصویرسازی روی آوردند. اگر می‌خواهیم تصویرسازی علمی داشته باشیم، به افرادی نیاز داریم که علاوه بر تسلط بر تصویرسازی، با مفاهیم علمی نیز آشنایی داشته باشند. هر ساله کارگاه‌های گوناگونی در سراسر جهان برگزار می‌شوند که علاوه بر آموزش مبانی طراحی و تصویرسازی، آشنایی با مفاهیم علمی و حتی کالبدشکافی جانوران را نیز جزو برنامه‌های آن‌ها قرار می‌دهند. برگزاری این کارگاه‌ها و دعوت از متخصصان خارجی، آغاز خوبی برای تصویرسازی علمی در کشور ما خواهد بود.